کوتاه از جامعه

کاهش ۳۵ درصدی جرایم خشن در تهران

رئیس پلیس پایتخت از کاهش ۳۵ درصدی وقوع جرایم خشن در تهران نسبت به سال گذشته خبر داد.

به گزارش آنا، سردار حسین رحیمی با اشاره به کاهش سهم وقوع جرایم تهران بزرگ از سرانه کل کشور، گفت: در گذشته وقوع جرایم در تهران ۳۷ درصد سرانه کل کشور را به خود اختصاص می‌داد که در دو سال اخیر، به‌رغم تمام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی و با وجود همه کمبودها، به لطف الهی و تلاش‌های به کار گرفته شده، شاهد کاهش حدود ۲۳ درصدی وقوع جرایم در پایتخت هستیم.

رئیس پلیس پایتخت ادامه داد: بیش از ۲۰۰۰ نفر از متهمان اقتصادی به مراجع قضایی احضار و پس از رسیدگی به پرونده آنان، حدود ۳۰۰ نفر آنها روانه زندان شده‌اند.

رحیمی افزود: پلیس پایتخت در حرکتی عظیم و پس از ۴۰ سال، مناطق شوش، مولوی و هرندی را پاکسازی کرده و در همین راستا نزدیک به ۹۲ محل مسکونی را که مملو از افراد معتاد بود پلمب کرده است، طوری که امروز همه مسؤولان و مقامات به این موضوع می‌بالند.

کنکوری‌ها فریب نخورند

وزیر علوم در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی اینستاگرام به داوطلبان کنکور سراسری توصیه کرد فریب برخی حرف‌ها مانند تعویق زمان کنکور را نخورند. به گزارش مهر، منصور غلامی در این پیام گفت: به داوطلبان آزمون ورودی دانشگاه‌ها توصیه می‌کنم مراقب باشید عده‌ای با طرح موضوع تعویق زمان کنکور، شما را خام و سرگرم نکنند تا در روند برنامه مطالعه شما سستی و خلل وارد شود. وی افزود: این کار آنها حتما به ضرر شما و به نفع رقیب‌های شماست. وزیر علوم عنوان کرد: از زمان وقوع سیل تا کنکور سراسری بیش از دو ماه فاصله وجود دارد. در حالی که آزمون کارشناسی ارشد در ابتدای اردیبهشت‌ماه بود. پس قابل مقایسه نیستند.

غلامی تاکید کرد: بررسی‌های ما نشان می‌دهد برخی افراد که این موضوع را مطرح می‌کنند اصلا داوطلب کنکور نیستند. وی یادآور شد: البته در حال پیگیری هستیم تا مشخص شود هویت اصلی آنها چیست و به چه دلیل و منظوری دارند موجب نگرانی داوطلبان می‌شوند. وزیر علوم گفت: این مسأله از سوی دستگاه‌های مسؤول در حال پیگیری است.

شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل عشایر

مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت رفاه

از شناسایی و بازگشت به تحصیل کودکان بازمانده از تحصیل عشایر خبر داد. به گزارش فارس، احمدرضا پرنده با بیان این که عوامل متعددی در بازماندگی از تحصیل کودکان عشایر تأثیر دارد، تصریح کرد: اشتغال کودکان به دامپروری، صعب‌العبور بودن راه‌های دسترسی و پراکندگی جمعیت عشایر از جمله دلایلی هستند که باعث بازماندگی از تحصیل کودکان شده است.

مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از سازمان عشایر کشور خواست تا اطلاعات هویتی دقیقی از جمعیت کودکان عشایر در اختیار این دفتر قرار دهد. وی ادامه داد: قطعا پس از ریشه‌یابی مشکلات موجود با تطبیق اطلاعات فردی این کودکان با کودکانی که تاکنون شناسایی شده‌اند، خدمات موثر و مفیدتری به این کودکان ارائه خواهد شد.

خدمات رایگان مهدکودک‌ها در استان‌های سیل‌زده

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور از راه‌اندازی ۷۴ مهد کودک موقت و سیار در سه استان سیل‌زده لرستان، خوزستان و گلستان خبر داد و گفت: خدماتی که در این مهدها اعم از توزیع یك وعده غذای گرم و خدمات آموزشی ارائه می‌شود، رایگان است.

حبیبا... مسعودی فرید افزود: خدمات این سازمان در استان‌های سیل‌زده تا عادی شدن شرایط ادامه پیدا خواهد کرد ضمن این‌که تمهیداتی نیز برای خانواده‌های آسیب‌دیده پیش‌بینی شده است.

مسعودی فرید در ارتباط با حمایت سازمان بهزیستی از کودکان سیل‌زده در مناطق سه استان خوزستان، گلستان و لرستان متذکر شد: بر اساس آخرین آمار، هنوز کودکی به سازمان بهزیستی این سه استان معرفی نشده است، اما در هر صورت، سازمان بهزیستی آمادگی ارائه خدمات به آسیب‌زدگان را دارد./ تسنیم

جانباز شهید حسین آملی ۱۷ خرداد ۶۳ در منطقه عملیاتی مریوان از ناحیه گردن قطع نخاع شد و ۲۹ فروردین ۹۸ به فیض شهادت نائل آمد

عکس: محسن رضایی جام جم

گفت‌وگو با همسر جانباز شهید حسین آملی که بعد از ۳۴ سال مجاهدت به شهادت رسید

و ما ادراک «حسین»

مینا مولایی

جامعه

۳۴ سال و ده ماه و ۱۲ روز؛ حساب بقیه روزهای زندگی ۵۴ ساله جانباز شهید حسین آملی یك طرف و این ۳۴ سال و ده ماه و ۱۲ روزش یك طرف؛ روزهایی که اصلا شبیه روزهای قبل نبودند، حسین ۴۱۸ ماه تمام نایستاد، ۴۱۸ ماه تمام ننشست، ۴۱۸ ماه تمام راه نرفت؛ حسین ۴۱۸ ماه تمام، شد یك پیکر خوابیده روی تخت. از هفدهم خرداد ۱۳۶۳ از همان عملیات ضربتی نیروهای ایرانی در منطقه مریوان که حسین با اصابت گلوله دشمن از ناحیه گردن قطع نخاع شد تا همین پنجشنبه پیش که بال‌هایش را باز کرد و برای همیشه آسمانی شد، سهم او از تمام این دنیا یك تخت بود، فقط یك تخت؛ حسین اما تسلیم نشد، یادگاری‌های جنگ را در تمام این سال‌ها با خودش همه جا برد، او هر روز، هر لحظه با سری که همیشه بالا بود، با دست‌هایی که نای تکان خوردن نداشتند، با پاهایی که جای خالی‌شان بدجور توی چشم می‌زد، با جنگ مسابقه می‌داد، هر روز جنگ یك خط می‌کشید روی زخم‌های تن حسین و هر روز حسین طاقتش را بالاتر می‌برد، صبرش را بیشتر می‌کرد؛ آن‌قدر که خودش شد اسطوره صبر؛ اسطوره فداکاری و در تمام این سال‌ها کسی ندید حسین لبش به گلایه باز شود. این را رقیه احمدی قاجاری به ما می‌گوید؛ همسرش، شریك ۲۲ ساله زندگی و پرستار شبانه‌روزی‌اش. زنی که حالا هم همسر شهید است و هم خواهر شهید. چندساعت بعد از شنیدن خبر شهادت جانباز آملی با تلفن همراهش تماس می‌گیریم و همسرش درحالی که صدای صوت قرآن پس زمینه گفت‌وگوی ماست به سؤالاتمان جواب می‌دهد؛ زنی که معتقد است خدا با این جانبازی صبری به همسرش داده بود که تمام نمی‌شد.

> **همسر شهید:** من با این‌که ۲۲ سال کنار ایشان زندگی کردم، اما نتوانستم ایشان را آن طوری که بودند درك کنم، این‌که چطور خداوند می‌تواند به یك نفر این طور نظر کند که نسبت به تك‌تك آدم‌های دیگر این کره زمین متفاوت و، خاص باشد

شما چند سال با شهید آملی زیر یك سقف زندگی کردید؟

تقریبا ۲۲ سال شد، ما سال ۷۶ با هم ازدواج کردیم.

پس وقتی با هم ازدواج کردید، آقای آملی جانباز بودند و از شرایط‌شان خبر داشتید.

دقیقا همین‌طور است، من کاملا نسبت به شرایط ایشان آگاه بودم و آگاهانه این زندگی را انتخاب کردم.

چطور با ایشان آشنا شدید؟

از قدیم یك رفاقتی بین حسین آقا و برادرم موسی وجود داشت و به همین واسطه دو خانواده با هم رفت و آمد داشتند. حسین و برادرم موسی با هم در جبهه هم‌دوره بودند، حسین سال ۶۳ جانباز شد و برگشت، موسی سال ۶۶ شهید شد و برنگشت. به‌واسطه این دوستی ما با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم و من خودم با علم و آگاهی زندگی با ایشان را انتخاب کردم.

وقتی حسین آقا را برای یك عمر زندگی مشترك انتخاب کردید چند ساله بودید؟

تازه ۱۸ ساله شده بودم.

یعنی اول اول جوانی، احیانا خانواده‌ها مخالفتی نداشتند؟ مخصوصا خانواده شما؟

باورکنید که من خیلی سختی کشیدم تا آن چیزی که می‌خواستم بشود. این طبیعی است که هر خانواده‌ای به‌راحتی راضی نشود دخترش با یك جانباز قطع نخاع از گردن ازدواج کند. آن موقع چون من هم خیلی جوان بودم، همه می‌گفتند شاید تصمیمت از سر احساسات باشد، اما این طور نبود. البته من اولش با عشق آمدم جلو، ولی وقتی وارد این زندگی مشترك شدم دیدم ماندن در این زندگی چیزی بیشتر از عاشق شدن می‌خواهد. زندگی ما شیرینی و معنویت خودش را داشت، اما سختی‌های زیادی هم داشت. بارها پیش‌آمد که وقتی من با حسین بیرون می‌رفتم، خیلی‌ها نگاه می‌کردند، پچ پچ می‌کردند و من می‌شنیدم که حسین را روی تخت نشان می‌دهند و می‌گویند چرا این شکلی است؟! من همه این حرکات را می‌دیدم، اما اصلا برای من مهم نبود، چون من با یکی دیگر معامله کردم و وارد این زندگی شدم... ان‌شاءا... خدا خودش این را از من قبول کند.

هیچ‌وقت به شهادت‌شان فکر کردید؟

به خاطر شرایطی که داشتند شهادت به ایشان خیلی نزدیك بود، اما باور کنید در تمام این سال‌ها همیشه فکر می‌کردم اگر خدای نکرده من یك روزی ایشان را از دست بدهم، چطور دوام بیاورم؟! حسین بزرگ‌ترین سرمایه زندگی من بود. هنوز هم هست..او دست من را هم در تمام این سال‌های جانبازی‌اش گرفته بود و با خودش بالا می‌برد...

از شهادت‌شان بگویید.

حسین‌آقا به خاطر بیماری سرطان خونی که از سال ۹۵ و به خاطر مصرف بیش از اندازه داروهای درمانی درگیرش شدند و همین‌طور دیالیزی که می‌شد، شرایط جسمی سختی را می‌گذراند. فشار خونش به خاطر کسالت‌هایی که همیشه داشت، تقریبا حدود ۵ بود و به خاطر همین موضوع از نظر جسمی ضعف زیادی داشت و خیلی وقت‌ها در بیمارستان بستری می‌شد. آخرین ماه سال گذشته را هم تقریبا به طور کامل در بیمارستان خاتم الانبیا بستری بود، اما از بیمارستان و دیالیز خسته شده بود و به اصرار خودش مرخص شد و برگشتیم به شهر خودمان. ولی در طول عید هم چند بار حالش بد شد، این اواخر هر بار که دیالیز می‌شد حالش بد می‌شد. آخرین بار همین سه شنبه پیش دیالیز شدند، اما وقتی زیر دستگاه بودند فشارشان کاملا افت کرد و به کما رفتند و نزدیکی‌های صبح پنجشنبه ۲۹ فروردین هم بالاخره بعد از ۳۴ سال جانبازی شهید شدند.

از کی دیالیز می‌شدند؟ امکان پیوند کلیه برایشان وجود نداشت؟

از سال ۸۶ که ما برای درمان ایشان به آلمان رفتیم پزشکان تشخیص دادند باید کلیه و مثانه ایشان تخلیه شود. همان زمان پزشکان آلمانی اعلام کردند کلیه دومش فقط ۲۵ درصد کارایی دارد. اسفند ۹۲ حسین آقا کلیه دومش را هم از دست داد و از آن زمان تا لحظه شهادتش برای ادامه زندگی مجبور بود دیالیز شود. ما همان موقع می‌خواستیم به پیوند کلیه اقدام کنیم، اما به خاطر این‌که شرایط جانبازی ایشان جوری بود که روی شکم می‌خوابید توانایی نگهداری کلیه را نداشت، یعنی تشخیص دکترها این بود که با این شرایط نمی‌شود به او کلیه پیوند زد.

شاید خیلی‌ها که تصویر ایشان را در این سال‌ها دیده‌اند این سؤال برایشان پیش آمده که چرا جانباز آملی می‌بایست روی شکم می‌خوابید؟

همسرم جراحت‌های زیادی در ناحیه کمر داشت و اصلا نمی‌توانست به پشت بخوابد، یعنی شرایطش جوری بود که هر وقت به پشت می‌خوابید با کاهش شدید فشار خون مواجه می‌شد و از حال می‌رفت. اما خوابیدن به روی سینه در تمام این سال‌ها اصلا کار راحتی نبود... باور کنید این روزهای آخر به خاطر سرطان و دیالیز و... بدنش از داخل داشت متلاشی می‌شد با این حال من هیچ‌وقت نشنیدم که ایشان حتی ناله بکند چه برسد به گلایه از شرایطی که داشتند...

اگر بخواهید همسرتان را در یك جمله تعریف کنید، درباره ایشان چه می‌گویید؟ چه خصوصیتی از ایشان بیشتر از هرچیزی به چشم شما می‌آید؟

قطعا صبر و استقامتشان، ایمانشان، ارتباط فوق العاده قوی ای که با خدا داشتند... بگذارید این طور بگویم من با این‌که ۲۲ سال کنار ایشان زندگی کردم، اما نتوانستم ایشان را آن طوری که بودند درك کنم، این‌که چطور خداوند می‌تواند به یك نفر این طور نظر کند که با تك‌تك آدم‌های دیگر این کره زمین متفاوت باشد، خاص باشد. الان هم با این‌که می‌دانم حسین دیگر شهید شده، اما باور شهادت ایشان برای من دشوار است...

مرور گفت‌وگوی جام جم با جانباز حسین آملی یك سال و نیم قبل از شهادت

جنگ تمام نشده...

حسین آملی، جانباز ۷۰ درصد کشورمان، حالا دیگر خودش نیست؛ خاطراتش اما هست، عکس‌هایش و حرف‌هایی که سنجاق شده‌اند به تصویر همیشه خوابیده او روی تخت؛ برای منِ خبرنگار، حسین آملی همیشه و همیشه، همان مردی است که در سخت‌ترین شرایط بعد از یك دیالیز طاقت‌فرسا و بیست و چند روز بستری بودن روی تخت بیمارستان خاتم‌الانبیاء با درد زیاد به سؤالاتم جواب داد. آن موقع نوشتم: صبر نام دیگر اوست و حالا می‌نویسم: پرونده صبر و بردباری به نام جانباز شهید حسین آملی بسته شد. شنیدن خبر شهادت او، بهانه‌ای است برای مرور دوباره حرف‌هایش به ما:

- اولین بار سال ۶۲ به جبهه رفتم یعنی وقتی ۱۸ ساله بودم، شاید آن موقع خیلی‌ها فکر می‌کردند که نوجوان‌ها و جوان‌ها به عشق تیر و اسلحه به جنگ می‌روند اما در واقع این‌طور نبود، پشت صحنه رفتن‌ها، یك بحث اعتقادی مطرح بود. من هم به عشق اسلام و دفاع از وطن بود که به جبهه رفتم. البته در این تصمیم، تشویق‌های برادر بزرگم خیلی موثر بود، ایشان زودتر از من به جبهه رفت و مروج من بود.
- فکر می‌کنم آن فضایی که در آن دوره بین رزمنده‌ها در جبهه‌ها حاکم بود دیگر هیچ‌وقت تکرار نمی‌شود. هرچقدر من الان بخواهم از آن روزها تعریف کنم که منطقه این‌طور بود، آن‌طور بود، فایده ندارد. فقط کسی معنویت این فضا را درك می‌کند که خودش آن را تجربه کرده باشد. آنجا رفاقت اصلا مطرح نبود، هرچه بود برادری بود.
- تحمل جانبازی برای من سخت نیست، چون صبرش را خدا خودش به من داده. من روزی حداقل ۲۰ تا قرص می‌خورم، یك کیسه بزرگ پر از قرص همیشه و همه جا همراهم است؛ داروهای شیمی درمانی هم که اضافه شده‌اند، اما من هیچ‌وقت ناامید نشده‌ام. حتی تا وقتی پاهایم را قطع نکرده بودند، امیدوار بودم دوباره راه بروم، همیشه امیدوار هستم. ناامیدی مال شیطان است، همه ما باید همیشه به لطف خدا امیدوار باشیم.
- وقتی آدم می‌رود جنگ به این فکر می‌کند که ممکن است جانش را از دست بدهد، من به شهادت فکر می‌کردم. این جانبازی که در مقابل آن دیگر چیزی نیست، در مقابل از دست دادن جان که چیزی نیست. حالا هم افتخارم همین جانبازی است و خدا نکند که پشیمان بشوم از این اتفاق. همه اینها خواست خداست... لطف خدا به بندگانش زیاد است. در مورد من هم مصداق آن شعر معروف که «خدا گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری» این‌قدر در این سال‌ها برای من دوستان خوب و با معرفت فرستاده که همه خلأهای زندگی مرا پر کرده‌اند و هیچ‌وقت احساس تنهایی نکرده‌ام.
- من با خاطره آن روزهای جنگ زندگی می‌کنم، اما معتقدم جنگ ما تمام نشده، الان در یك جبهه دیگر به فرمایش رهبر درحال جنگ هستیم. آن موقع جنگ ما رودررو و مستقیم بود. اما الان دشمن از همه طریق به ما حمله کرده است. از طریق تلفن‌همراه از روزنامه‌ها، مجلات، ماهواره و اینترنت. ما الان باید هشیارتر باشیم و فکر نکنیم که جنگ تمام شده.

فعالیت ۲۰۰ گروه جهادی بانوان در مناطق سیل‌زده

رئیس سازمان بسیج جامعه زنان کشور گفت: در حال حاضر بیش از ۲۰۰ گروه جهادی بانوان بسیجی در مناطق سیل‌زده به مردم این مناطق به‌ویژه زنان خدمات مختلفی ارائه می‌دهند.

به گزارش ایرنا، مینو اصلانی افزود: گروه‌های جهادی بانوان با حضور در مناطق سیل‌زده علاوه بر کمك‌هایی که به بانوان این مناطق سیل‌زده می‌کنند، در مشاوره، خدمات پزشکی و خدمات اجتماعی به بانوان از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

وی ادامه داد: در استان‌های سیل‌زده تمام گروه‌های جهادی مشارکت جدی دارند تا بتوانند خدمات اجتماعی، فرهنگی و حتی مشاوره‌ای به زنان آسیب‌دیده از سیل داشته باشند و در صورت نیاز برای کمك به سیل‌زدگان به استان‌های دیگر نیز اعزام خواهند شد.

اصلانی با بیان این‌که به افرادی که در سیل اخیر از نظر روحی دچار بحران شده‌اند، مشاوره داده می‌شود، افزود: با توجه به این‌که هنوز ارائه خدمات مشاوره‌ای به این افراد ادامه دارد، آمار دقیقی از میزان مشاوره‌های انجام شده در دست نداریم، اما استان‌ها در حال جمع‌آوری اطلاعات و آمار هستند.

وی به بخش دیگری از خدمات ارائه شده توسط بانوان بسیجی در مناطق سیل‌زده اشاره کرد و گفت: تاکنون چهار میلیارد تومان از کمك‌های نقدی و غیرنقدی مردمی جمع‌آوری شده است که با تهیه اقلام مورد نیاز در مناطق سیل‌زده توزیع می‌شود.

اصلانی ادامه داد: همچنین ۳۵ تن اقلام خوراکی به مناطق سیل‌زده لرستان، خوزستان، گلستان و دیگر استان‌ها ارسال شده است. در این مناطق اقلام و لوازم مورد نیاز مردم سیل‌زده توزیع می‌شود که نمونه‌ای از این موارد ده هزار بسته بهداشتی مختص بانوان، شیرخشك، البسه بانوان و پخت روزانه غذا حدود ۱۵ هزار پرس بوده است.

> گروه‌های جهادی بانوان با حضور در مناطق سیل‌زده علاوه بر کمك‌هایی که به بانوان این مناطق سیل‌زده می‌کنند، در مشاوره، خدمات پزشکی و خدمات اجتماعی به بانوان هم فعال هستند

نسبت داروسازان به جمعیت کشور نصف میانگین جهانی

معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو گفت: مقایسه تعداد دانشجویان داروسازی در ۸۹ کشور حاکی از آن است که به ازای هر ده هزار نفر، شاهد فعالیت شش داروساز هستیم، در حالی که این آمار در ایران به سه داروساز می‌رسد. به گزارش میزان، مهدی پیرصالحی با یادآوری این‌که در طول سال در حدود ۱۵۰۰ دانشجوی داروسازی جذب می‌شوند که این میزان قرار است از سال ۱۴۰۰ به بعد روند کاهشی داشته باشد، اظهار کرد: مشکلی که امروز بعد از فارغ‌التحصیلی دانشجویان داروسازی با آن مواجه هستیم این است که ۸۰ درصد از دانشجویان این رشته به دنبال دایر کردن داروخانه هستند که نباید این چنین باشد.

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ادامه، داشتن ارتباط با نهادهای قدیمی داروسازی را از الزامات فعالیت دانشجویی دانست و با بیان این‌که یکی از دلایل عدم استقبال بیمارستان‌ها برای همکاری با داروسازان، کم‌کاری داروسازان است، یادآور شد: دلیل پابرجا ماندن این مشکلات آن است که هنوز کارکرد داروساز در کاهش هزینه‌های دارویی در بیمارستان‌ها تشریح نشده است، لذا باید خدمات جدیدی برای داروسازی تعریف شود.

پیرصالحی با تأکید بر این‌که باید توجه داشت تقویت نهادهای مرتبط با داروسازی به حفظ حقوق فعالان این حوزه منجر خواهد شد، خاطرنشان کرد: هیچ مشکلی را به‌تنهایی نمی‌توان حل کرد، ازاین‌رو دانشجویان باید به فکر کمك باشند که ارائه ایده و راه‌حل ازجمله این کمك‌هاست.